

بیقراران وصال

سرداران شهید داود و علی اکبر رضایی
با روایت هم‌زمان و دوستان

مجموعه خاطرات فرماندهان و
رزمندگان دفاع مقدس - ۱

بروین بهرامی

سرنوشت‌نامه، بهرامی، پرویز، ۱۳۴۶

عنون و نام پدیدآور: بی‌قراران وصال: سرداران شهید ۹۰ و ۹۱، علی اکبر رضایی، به روایت: هم‌زمان و دوستان، پرویز بهرامی

مشخصات نشر: قم: ارمغان کوثر، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.: مصور اجتنبی رنگی، شش، نوته، عکس.

قروست: مجموعه خاطرات فرماندهان و رزمندگان دفاع مقدس؛ ۹۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۱۸۸۰-۹۰۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فی

پیداداشبه: کتابخانه: ص. ۱۵۶

عنوان دیگر: سرداران شهید داود و علی اکبر رضایی، به روایت هم‌زمان و دوستان.

موضوع: رضایی، داود، ۱۳۳۸-۱۳۴۱

موضوع: ادبی، علی اکبر، ۱۳۴۴-۱۳۶۹

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ شهیدان، خاطرات

موضوع: Martyrs - Diaries - Iran - Shahrivar - Charies

موضوع: شهیدان، ایران، بازماندگان، خاطرات

موضوع: Martyrs - Iran - Shahrivar - Charies

رده‌بندی کنگره: ۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷

رده‌بندی دیویی: ۹۲۲-۹۴۳

شماره کتابشناسی: ۳۱۷۷۶

«بی‌قراران وصال»

مؤلف: پرویز بهرامی

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: پرویز بهرامی

طراح جلد: حمیدرضا حاجی‌خانی

ناشر: قم: انتشارات ارمغان کوثر

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۱۸۸۰-۹۰۰

ناظر چاپ: خدمات چاپ و صحافی پرواک- ۹۱۲۵۵۲۰۴۶۹

تلفن مرکز پخش: ۹۱۲۱۴۲۵۰۲۶

* تمامی حق چاپ و انتشار برای مؤلف محفوظ است *

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۱۵.....	«بیاض»
	فصل اول: داود
۲۵.....	ورد زبانش با خدای بود و یا علی / علی ذوالقدر
۲۹.....	آخرین دیدار / اسراف رضایی
۳۱.....	مسیر زندگی مان را تغیر داد / مریم رضایی
۳۳.....	از شمع نظامی قوی برخوردار بود / کریم نوری
۳۵.....	طلب نسیه‌دات می‌کرد / الیاس میرمحمدی
۳۷.....	اصلاً کینه به دل نمی‌گرفت / کاظم ذوالقدر
۳۹.....	اخلاق نیکویشان زبانزد بود / صفت‌الله
۴۱.....	قانونمند بود / محمود مردانی
۴۳.....	نجابت از چهره‌اش فوران می‌کرد / فریدون عزیزم
۴۵.....	روحیه‌ای جهادی داشت / صمد رضایی
۴۷.....	به شهدای کربلا می‌اندیشید / باقر خلقی
۴۹.....	جزو اولین گروه اعزامی بودیم / صمد ذوالقدرها
۵۱.....	یک مجموعه بود و چند تکه استخوان / عبادالله رجبی
۵۳.....	ضرب هوشی بالایی داشت / نادر محمدی
۵۵.....	ارزشی و مکتبی بود / غلامحسین رجبی
۵۷.....	گوی محشر کبری برپا شده بود / رضا رجبی
۶۳.....	صدایش از پشت بی‌سیم قطع شد / سید ساجدین حسینی

فصل دوم: علی اکبر

- ۶۹..... رؤیای صادقه / زهرا ذوالقدریها
- ۷۹..... بله‌های ترقی را به سرعت بيمود / محمد ذوالقدری
- ۸۳..... سفر آخر / اشرف رضایی
- ۸۵..... نامه‌ای به خواهر / علی ذوالقدری
- ۸۷..... با أسرا مدارا می‌کرد / فرض‌الله عزیزمحمدی
- ۸۹..... بیشتر از سنن می‌فهمید / الیاس عزیزمحمدی
- ۹۱..... عجب غذایی آماده کردی / رضا ذوالقدری
- ۹۳..... روی تصمیمش مصمم بود / کاظم ذوالقدریها
- ۹۵..... شانه روز در بسیج بود / رضا رجبی
- ۹۷..... نوای می‌زنی رفیق / کریم نوری
- ۱۰۱..... در کمال صبر / می‌اموخت / محمود مردانی
- ۱۰۳..... زودانس می‌گذاشت / فریدون عزیزمحمدی
- ۱۰۵..... مرد عمل بود و عاشق شهادت / جعفر رجبی
- ۱۰۷..... پرتلاش و جدی بود / ابراهیم مینویی
- ۱۰۹..... برات شهادتش را از امام رضا گرفت / صمد ذوالقدریها
- ۱۱۱..... برق شادی در چشمانش رخ می‌زد / مهدی رجبی
- ۱۱۳..... شوخ طبع بود / علی اصغر رضایی
- ۱۱۵..... شاید توفیق شهادت حاصل شد / محمد افاداداشی
- ۱۱۷..... نزد پیشمرگان قابل احترام بود / کاکا مجید ششمی
- ۱۱۹..... مهربان تر شده بود / کاکا غریب مرادی
- ۱۲۱..... برادر رضایی هم رفت / کاکا منصور ایازی
- ۱۲۳..... عامل وحدت بود / حسن عزیزمحمدی
- ۱۲۵..... خستگی در وجودش راه نداشت / سید آیت ابراهیمی
- ۱۲۷..... شهادت فرمانده / علی اکبر اکبری
- ۱۲۹..... به امال و آرزویش رسید / جمهور ذوالقدریها
- ۱۳۱..... فکری بلند و عمیق داشت / سعید نقی‌لو
- ۱۳۳..... انگار برای شهادت عجله داشت / یعقوبعلی اصغری آزاد
- ۱۳۵..... می‌مانم تا پیروزی نهایی / حمید رضایی
- ۱۳۷..... شمیم شهادت / سید حسن آقامیری
- ۱۳۹..... شهادت مزد او بود / محمدرضا طالبی

٩ بیقراران وصال

۱۴۳..... تشیع جنازه / حمید حسن بیگلو

فصل سوم:

۱۴۵..... یادها و یادگارها

www.ketab.ir

حضرت ایت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی:
امروز فضیلت زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا
کمتر از بهادرت نیست.

«دیباجه»

در منتهی‌الیه محدوده جنوب غربی استان قزوین، شهرکی است به نام
«فارسجین». در حدفاصل شهرهای ابهر و تاکستان که از نظر تقسیمات کشوری
از توابع شهرستان تاکستان محسوب می‌شود.

خطه‌ای خوش آب و هوا، قدمتی هزار ساله و مردمانی مهربان، متدین،
شهیدپرور، ولایتمدار و دلاور این ولایت تاریخی و جنگل‌های سرسبز و باغ‌های
زیبای میوه‌های خوش طعم و خوش بوست.

این شهرک و پیرامون آن، اگرچه در بین هموطنان به بخشی از سرزمین
خوشه‌های زرین انگور و... شهره است، لیکن



به زعم نگارنده حقیر، آنچه بیش از هر چیز به
این خطه؛ شهرت، شرافت، طهارت و تقدس
می‌بخشد پیشینه تاریخی و موقعیت
جغرافیایی یا اقلیم طبیعی آن نیست، بلکه
تعداد ۳۳ الاله شهیدی است که در دفاع از
اسلام و این آب و خاک در دل آن آرمیده‌اند.

به قول معروف: «شَرَفُ الْمَكَانِ بِالْمَكِينِ... اعتبار مکان‌ها به انسان‌هایی است که
در آن‌ها زیسته‌اند.»

در جوار این شهرک، تربتی است مطهر و معطر به عطر دل‌انگیز زلال‌ترین و
پاک‌ترین انسان‌ها که بر سر درش نوشته‌اند:

«همین ثُربت پاک شهیدان است که تا قیامت، مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود»^۱

چقدر به جا و با احساس است سروده شاعر جوان کشورمان، میلاد عرفان پور:
ما سینه زدیم و بی صدا باریدند
از هر چه که دم زدیم، آن‌ها دیدند

ما مدعیان صفِ اوّل بودیم

از آخرِ مجلس، شهدا را چیدند

آری! شهدای ما، گلچینی از زیباترین و خوشوترین گل‌های روی زمینند که در سراسر عالم خاکی، عطر خدا را منتشر می‌کنند.

آنان بهترین آیهٔ الهی هم خلقتند و هرگز پایان نمی‌پذیرند، چون وعدهٔ خدای متعال است که:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^۲

«البته نپندارید که شهیدان را خدا مُردند، بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا منتعم خواهند بود.»

به صحن گلستان، قدم که می‌گذاری مزار شهیدان و الامقامی را می‌بینی که نام و نشان هر یک، یادآور حماسهٔ سال‌های نبرد و رشادت دلیرمردان این مرز و بوم در برابر منافقین کوردل، متجاوزین بعثی و همه دشمنان اسلام و انقلاب است. مزار شهیدان سرافراز:

- ۱- محمدرضا رجبی ۲- داود مردانی ۳- تیمور طالبی ۴- محمدعلی خلفی ۵- نبی‌الله رضایی ۶- رحیم رضایی ۷- داود رضایی ۸- علی‌اکبر رضایی ۹- محمود نوری ۱۰- حسین بهبودی ۱۱- حسین عزیزمحمّدی فرزند اصغر ۱۲- جواد عزیزمحمّدی ۱۳- حسین عزیزمحمّدی فرزند محمد ۱۴- حسن رجبی ۱۵- محرمعلی مردانی ۱۶- علیرضا عزیزمحمّدی ۱۷- جعفر رضایی ۱۸- ولی‌الله رجبی ۱۹- یعقوب محمّدی ۲۰- ولی‌الله محمّدی ۲۱- مهدی معروفی ۲۲- محمدعلی

۱- جمله مزبور از حضرت امام خمینی ^{ره} می‌باشد.

۲- سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۶۹

عزیز محمدی ۲۳- کاظم عزیز محمدی ۲۴- صفت‌الله محمدی ۲۵- علی محمدی ۲۶- نصرت‌الله خلقی ۲۷- حسن محمدی ۲۸- احسان‌الله طالبی ۲۹- علی عزیز محمدی ۳۰- نادر محمدیها ۳۱- جعفر عزیز محمدی ۳۲- صادق نوری ۳۳- حسن نوری و همچنین دو عزیز جاویدالآثر: محمدصادق مردانی و محمدعلی محمدی، هر یک یادمانی گرانسنگ از عرصه جهاد و شهادت‌اند و خانواده‌های معظم آنان نیز تجلی و تجسم عینی بیداری و صبر و بردباری!

با این توصیف به نظر می‌رسد برخورد مسئولان امر با این خطه از هر حیث، هم‌ونی و همان‌نازه مجاهدت و ایثار مردمانش نبوده است!

از جمل این شهدای گرانقدر، سرداران شهید: «داود» و «علی‌اکبر» رضایی فرزندان زنده‌یاد «حاج ابراهیم» پسان گل‌هایی هستند که هر کدام رایحه مخصوص خود را دارند.



داستان زندگی این دلاوران شهید، از کوچه پس‌کوچه‌های خاکی فارس‌جین آغاز می‌شود و تا دشت‌های

تفتیده خوزستان و قله‌های رفیع و سر به فلک کشیده کردستان امتداد می‌یابد. برادران شهید «رضایی» به حق از عنفوان جوانی تا لحظه شهادت، لحظه‌ای در طی مسیر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس درنگ نکرده و همواره خود را مطیع ولی امر زمان خود می‌دانستند. همانان که به اذعان همسرشان دوستان و همسنگران خود، از نجیب‌ترین و صالح‌ترین جوانان منطقه بوده‌اند. هنوز صداقت و ایثار و خلوص آن‌ها و شهدای هم‌زمشان در یادمان دوستان و اهالی وفادار فارس‌جین باقی‌ست.

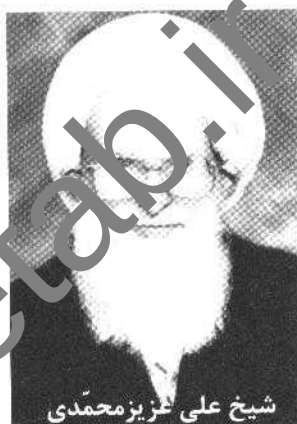
این دو کبوتر سبکبال که در محیطی معنوی و آکنده از طنین نماز و قرآن رشد و نمو یافتند به تأسی و تأثر از اعتقادات و آموزه‌های دینی و مذهبی والدین خود، از درک و شعور دینی و اعتقادی بالایی برخوردار بودند و روحیه با عاطفه و ارادتشان

به ائمه اطهار^(ع) که زبازرد دوست و آشنا بود، ریشه در تربیت صحیح و فطرت پاک آنان داشت.

شهیدان عالی مقام در روزهای سخت و پُر التهاب انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی^(ره) هم دوش و هم ساز با ملت عبور و انقلابی ایران در راهیمایی‌ها و تظاهرات مردمی ضد رژیم ستم‌شاهی، حضوری چشمگیر و پررنگ داشتند و از هیچ کوششی در این صحنه فروگذار نکردند.

آن‌ها یکی پس از دیگری، شعله معرفت را از خداوند طلب کرده و در سوز و گداز آن، دلباخته جمال یار گشتند.

مسجد جامع فارسجین، پایگاه و خاستگاهی بود که این دو جوان پرشور و انقلابی و دیگر جوانان مؤمن منطقه، تحت تعلیم و رهنمودهای استاد شاخص انقلابی و همچنین مرحوم حاجت الاسلام حاج شیخ علی عزیزمحمدی^(ره) در نیل به اهداف عالیه انقلاب اسلامی و عملی



شیخ علی عزیزمحمدی

ساختن منویات و اندیشه‌های حضرت امام^(ره)، هدایت و تسبیح گردیدند. در این میان، نباید نقش سازنده و موافق خانواده معظم شهیدان به ویژه، پدر و مادر متواضع آنان «مرحومین زنده‌یاد: حاج ابراهیم رضایی و حاجیه سیده محترم بیگم علوی»^۳ را نادیده گرفت. زیرا این عزیزان نه تنها مادر معالمت شایسته روزی

۱- حاجت الاسلام شیخ علی عزیزمحمدی فارسجینی، فرزند مرحوم عبدالعلی، متولد سال ۱۳۰۴ و امام جماعت مسجد جامع فارسجین بود که پس از عمری مجاهدت در راه خدا، به تاریخ ۱۳۸۱/۹/۱۳ در سن ۷۷ سالگی در همان شهرک دار قانی را وداع گفت. مدفن این روحانی بزرگوار در سخن مبارک امامزاده عبدالله^(ع) فارسجین می‌باشد.

۲- حاج ابراهیم رضایی، متولد ۱۲۸۹ در فارسجین، تاریخ وفات: ۱۳۸۱/۹/۲۳، این پدر گرامی به حق نمونه‌ای از اسوه‌های بیداری و شکیبایی بود.

۳- حاجیه سیده محترم بیگم علوی، متولد ۱۳۱۰/۱۰/۱۲ در فارسجین، تاریخ وفات: ۱۳۹۴/۹/۲ در بیمارستان مهرگان قزوین. او شیرزنی مؤمنه و روشن ضمیر بود که هیچ‌گاه در فراق فرزندان شهیدش گله نکرد و همواره با صبر و بردباری، خدا را شاکر بود.

آن‌ها در عرصه‌های گوناگون به خصوص حضور در جبهه و جنگ نمی‌شدند، بلکه پیوسته با صبر و شکیبایی، کمبودها و دوری جگر گوشه‌های خود را به خاطر رضای خدا و پیشبرد اهداف انقلاب تحمل می‌کردند.

داود پنجمین و علی اکبر هفتمین فرزند خانواده بود.

علی اصغر برادر آن‌ها و اکرم، اشرف، اقدس، هاجر، مریم و معصومه، خواهران این شهیدان معزز به‌شمار می‌آیند. همچنین از علی اکبر نیز پسر ترومندی به نام «امیر رهایی» به یادگار مانده است که چهره او یادآور سیمای متبسم و نورانی پدر شهیدان می‌باشد.

داود با این که افسر شهربانی^۱ بود به شوق حراست و پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن، به تجربه سبزپوشان سپاه پیوست.

آنگاه که ولی امر مسلمین، فرمان جهاد در مقابل متجاوزین را صادر کردند، داود و علی اکبر سرانجام با شناسایی و جان‌برکف با اراده و عزمی آهنین، راهی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدند.

آنان از تبار مردان میدان جنگ و بی‌قراری قراران وصال یار بودند و روح ملکوتی‌شان در قفس کوچک دنیای مادی جای نمی‌گرفت.

۲۳ بهار از عمر داود و چند ماهی از نوزدی و با دختری مؤمنه و پاکدامن نمی‌گذشت که ایشان با قبول مسئولیت در یکی از گروه‌های عمل‌کننده در عملیات رمضان^۲ شرکت نمود و پس از نبردی سنگین و نابرابر با دشمن، به تاریخ

۱- شهربانی: اداره‌ای بود که وظیفه برقراری نظم و امنیت را در محدوده شهری بر عهده داشت. این نیرو از اواخر سال ۱۳۶۹ شمسی با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید مقام معظم رهبری، سازمانی کل قوا با ژاندارمری و کمیته‌های انقلاب اسلامی، ادغام و از اوایل دهه ۷۰ سازمانی تحت عنوان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی تشکیل و عملاً جایگزین آن‌ها شد.

۲- عملیات رمضان: رأس ساعت ۲۱:۳۰ مورخه ۱۳۶۱/۴/۲۳ مقارن با شب ۲۱ رمضان، با رمز مقدس یا صاحب‌الزمان^ع، ادراکتی، با هدف دور کردن آتش دشمن از شهرهای جنوبی کشور و انهدام مواضع ارتش بعثی عراق در منطقه شرق بصره توسط رزمندگان جان‌برکف سپه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرا درآمد. مرحله پنجم یعنی آخرین مرحله این عملیات نیز به تاریخ ۶۱/۵/۶۷ در محور شمالی پتسگاه زید عراق انجام گرفت.

۱۳۶۱/۵/۷ در منطقه پاسگاه زید عراق، با قلبی مالا مال از حب معشوق، فانی فی‌الله و مفقودالآثر شد تا هموطنانش معلوم‌الآثر بمانند.

سرانجام جسم مطهر این عاشق دلباخته که جز جمجمه و چند قطعه استخوان و یک پلاک جنگی نبود، چهارده سال پس از چشم‌انتظاری خانواده به ویژه پدر و مادر، به وطن و آغوش آنان بازگشت.

علی‌اکبر نیز ۸ سال بعد از شهادت وی، در سن ۲۵ سالگی در حالی که فرماندهی گران عملیاتی حضرت رسول (ص) سپاه بانه^۱ را بر عهده داشت در مصاحبه^۲ ریاروی با مزدوران خود فروخته حزب خبیث دموکرات^۳ در منطقه ساوان^۴ بانه، دعوت حتر را بیک گفت و در مورخه ۱۳۶۹/۳/۲۷ به جمع عاشقان طریق الی‌الله و برادر شهید^۵ به‌سست تا در نزد پروردگار، سربلندی و جاودانگی را از آن خود سازد.

حضور جمعی از پیسمرگان کرد مسلمان^۶ بانه در تشییع جنازه^۷ باشکوه و مراسم گرامیداشت ایشان، نشان از صمیمیت و محبوبیت این فرمانده خاکی در دل دوستان و اهالی آن خطه داشت.

بی‌تردید پاسداشت یاد و خاطره پرفریغ این دل‌مردان و همه شهدای میادین نبرد می‌تواند ضمن ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، به بی‌دیده و صفای جان ما خسته‌دلان و جامندگان از قافله نورانی آنان باشد.

کتاب حاضر که به عنوان نهمین اثر بنده^۸ کمترین در حوزه دفاع مقدس با نام «بیقراران وصال» تقدیم علاقه‌مندان و دوستان گرامی می‌گردد با استفاده از

۱- گردان حضرت رسول (ص) سپاه بانه، متشکل از رزمندگان بسیجی، سپاهی و همچنین پیسمرگان کرد مسلمان بومی منطقه بود که ضمن آمادگی کامل در صورت لزوم، اقدام به مقابله با عوامل گروهک‌های ضدانقلاب و ناکساز مناطق آلوده از لوث وجود آنان می‌نمود.

۲- حزب دموکرات کردستان ایران یکی از گروهک‌های ضدانقلاب غرب کشور می‌باشد. از معروفترین مسئولان و دبیران کل معنوم آن گروهک که نقش عمده‌ای در ایجاد ناآرامی‌های منطقه غرب و شمال غرب کشور داشته‌اند می‌توان عبدالرحمن قاسملو و صادق شرفکندی را نام برد.

۳- ساوان از روستاهای بخش مرکزی شهرستان بانه می‌باشد که در سمت شمال شرقی آن واقع است.

۴- پیسمرگان کرد مسلمان، به آن دسته از نیروهای بومی منطقه کردستان اخلاق می‌شود که به صورت رسمی یا بسیجی ویژه یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همکاری دارند.

خاطرات تنی چند از خویشاوندان، هم‌زمان و دوستان باوفای شهیدان یادشده، شمه‌ای از نحوه‌ی زندگانی هرچند کوتاه ولی سراسر حماسه و مجاهدت آن عزیزان را برای آگاهی نسل‌های حال و آینده بازگو می‌نماید. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

ان‌شاءالله این گام کوچک، سرآغازی باشد برای تألیف و تدوین خاطرات جنگاوران و زندگینامه همه شهدای ارجمند شهرک فارسجین.



اسفندماه ۱۳۹۴ - مسجد جامع فارسجین، از راست: ۱- پرویز بهرامی ۲- فریدون عزیزمحمّدی ۳- کریم نوری ۴- کاتبه ذوالقدریها ش. صفت‌الله سعیدی ۵- رضا رجبی ۶- محمود مردانی ▲

دیدار و گفتگو با پیشکسوتان دفاع مقدّس پس از سال‌ها، برای نگارنده، معنّتم و سعادتی بود به‌یادماندنی که تأثیر عمیقی در فضای فکری و روحی‌ام ایجاد نمود، به‌طوری‌که مرور و پیاده‌سازی خاطرات آنان در کتاب، مرحله‌ی بعدی‌ی برنامه‌های پرماجرای جبهه و جنگ پرواز داد. گویی دوباره از نزدیک شاهد جانفشانی و حماسه‌های سلحشوران آن دوران بودم.

ملاقات با رزمندگان با‌مرام و باصفای فارسجین؛ این چهره‌های حماسه‌ساز و یادآوران تحسین‌برانگیز سال‌های پُرافتخار و سرنوشت‌ساز دفاع مقدّس که با بهترین لحظات دوره‌ی نوجوانی و جوانی‌ام عجین شده‌اند برایم خاطره‌ای است بس ارزشمند و فراموش‌نشدنی!

آن‌ها فقط هم‌زمان دیروز و امروز ما نیستند، بلکه همچون تاج افتخار و عزّت‌مندی هموطنان، برای همیشه تاریخ باقی خواهند ماند.

امیدوارم خوانندگان گرامی، کاستی‌ها و نواقص کتاب را با بزرگواری خویش، بر این عبد ضعیف و عاصی خداوند ببخشایند و با ارائه نظرات، پیشنهادها و انتقادات سازنده خود، در آثار بعدی یاری‌ام نمایند.

ناگفته نماند در این مجموعه، حتی‌الامکان از ذکر پیشوند، پسوند و القاب و عناوین اشخاص مثل: نام درجه، جایگاه، حاجی، کربلایی، دکتر، مهندس، ریاست و غیره، خودداری شده است تا خدایی نکرده، حقی از کسی ضایع نشود. لذا پیشاپیش از کسانی که گاهی از این نوع گفتار دوستانه و صمیمی دلخور خواهند شد پوزش می‌طلبم.

در خاتمه به مصداق حدیث گهربار «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ» از عنایت و زحمات همه عزیزان، به ویژه یادگار ماندگار دوران دفاع مقدس، استوار بماند و دوست عزیز سال‌های دور و نزدیک، جناب آقای «رحیم طالبی» که با صدف دل، محبت هماهنگی و ارتباط‌گیری با اکثر راویان محترم کتاب را متقبل شدند صدمه به سپاسگزاری نموده و سلامتی و توفیقات روزافزونشان را در تداوم راه شهیدان و مصلحت‌ها و حقیقت، از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

نویسنده: آقا قافله نورانی شهید

روشن‌رایی

بهار ۱۳۸۵

۱- امام رضا: مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ... هر که در قبال خوبی مردم تشکر نکند، از خداوند عزوجل هم تشکر نکرده است. بعین اخبار الرضا... جلد ۲، صفحه ۲۴، ج ۲